



دو حرکت در تاریخ

جلد دوم: قرون میانی

دکتر محمد حسن زورق

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

سر شناسه:

زورق، محمد حسن

عنوان و نام پدیدآور:

دو حرکت در تاریخ / محمد حسن زورق

مشخصات نشر:

تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری:

۳ ج: جدول، نمودار

شابک:

دوره: 5- 276- 476- 964- 978؛ ج ۱: 1- 274- 476- 964- 978

ج ۲: 2- 277- 476- 964- 978؛ ج ۳: 3- 279- 476- 964- 978

وضعیت فهرست نویسی:

فیا

یادداشت:

کتابنامه

یادداشت:

نمایه

مندرجات:

ج ۱، میانی، ج ۲، قرون میانی، ج ۳، بیداری جهانی

موضوع:

تاریخ

موضوع:

اسلام -- تاریخ

موضوع:

اسلام و غرب

موضوع:

خودآگاهی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

رده بندی کنگره:

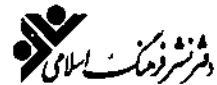
۱۳۹۰ ۹۵۹ DV/

رده بندی دیویی:

۹۰۲

شماره کتابشناسی ملی:

۲۶۲۲۵۴۸



دفتر مرکزی: پاسداران، خیابان شهید ناطق نوری، شماره ۵۶، بوستان کتاب، تلفن: ۵-۲۲۸۵۶۱۲۴

عنوان: دو حرکت در تاریخ / جلد دوم: قرون میانی

نویسنده: دکتر محمد حسن زورق

طراح جلد: مهنوش مشیری ویراستار و بازخوان نهایی: ابراهیم حقیقی صفحه آرای: مرتضی ندیری

چاپ اول: ۱۳۹۰

این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه در چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

شابک دوره جلد شصت و پنج: ۵- ۲۷۶- ۴۷۶- ۹۶۴- ۹۷۸؛ شابک دوره جلد شصت و شش: ۰- ۲۸۴- ۴۷۶- ۹۶۴- ۹۷۸

قیمت دوره جلد شصت و پنج: ۲۳۰۰۰۰ ریال؛ قیمت دوره جلد شصت و شش: ۲۷۵۰۰۰ ریال

فروشگاهها و مراکز بخش:

فروشگاه شماره یک: میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵

فروشگاه شماره دو: میدان امام خمینی، خیابان فردوسی، بن بست کوچه هنر، تلفن: ۳۳۱۱۴۲۸۸-۳۳۱۱۲۱۰۰

فروشگاه شماره سه: پاسداران، خیابان شهید ناطق نوری، شماره ۵۶، بوستان کتاب، تلفن: ۲۲۸۵۵۱۶۴

نمایندگی فروش قم: تلفن: ۷۷۳۴۵۱۶-۷۷۳۸۱۵۰

فروشگاه مشهد: چهار راه شهدا، پست باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع گنجینه کتاب تلفن: ۲-۲۲۱۲۸۳۱

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۹
فصل اول: امویان در مغرب زمین	۲۵
بخش اول: مجد مجده	۲۷
۱- قدرت و توان نظامی امویان	۲۷
۲- گسترش قدرت در غرب	۲۹
۳- تداوم مبارزات ضد اموی در اندلس	۳۷
۴- پی گیری سیاست کین آفرینی بین مسلمانان و مسیحیان	۳۸
۵- پی گیری سیاست سرکوب	۴۰
۶- بهبرد نیروی نظامی در عصر محمد بن عبدالرحمان	۴۴
۷- با رویای شرق	۴۶
۸- عصر منذر	۴۸
۹- به استقبال سرنوشت	۴۸
۱۰- سیاست تجزیه نیروهای اجتماعی	۵۴
۱۱- کارآمدی نظام دوقطبی در شبه جزیره ایبری	۶۱
۱۲- انباشت کینه در شمال، انباشت ترس در جنوب	۶۷
۱۳- توسعه ارضی سیاست جدید ایالت های نوظهور	۶۸
بخش دوم: امویان و اروپا	۷۶
۱- فاطمیان و امویان	۷۶
۲- قایق علم و ساحل قدرت	۸۰
۳- فاطمه و اندلس	۸۳

۸۷.....	۴- قدرت قرطبه
۱۰۳.....	۵- تسخیر اروپا
۱۱۶.....	بخش سوم: آخرین شعله‌های مشعل اسلام در اروپای غربی
۱۱۶.....	۱- عصر حکم
۱۲۵.....	۲- پس از حکم
۱۲۸.....	۳- الزهرا و الزاهره: نهاد و نماد قدرت
۱۲۹.....	۴- تداوم سیاست انباشت کینه
۱۳۲.....	۵- شاهزاده دو دربار
۱۳۴.....	۶- اشراف و ساختار شبکه قدرت
۱۴۳.....	۷- چگونه اندلس قربانی شد؟
۱۴۳.....	۱-۷- مدیریت بحران
۱۴۶.....	۲-۷- انقلاب نعاذین
۱۵۲.....	۳-۷- سقوط الزاهره
۱۵۳.....	۴-۷- جلوس محمد بن هشام
۱۵۳.....	۵-۷- بازیگران اصلی و بازی جدید
۱۵۵.....	۶-۷- مرگ تدریجی اندلس
۱۷۵.....	فصل دوم: سقوط شرق
۱۷۷.....	بخش اول: آغاز پایان عصر عباسی
۱۷۷.....	۱- یک چشم بیدار و دو چشم خواب
۱۷۷.....	۱-۱- زور و زر عباسی و سیاست اموی
۱۷۸.....	۲-۱- دست سوم
۱۸۰.....	۳-۱- زمینه اجتماعی و سیاسی
۱۸۱.....	۴-۱- گربه یا پلنگ؟
۱۸۱.....	۵-۱- تغییر معادلات قدرت در جهان
۱۸۲.....	۶-۱- بسیج و تهیج
۱۸۴.....	۷-۱- سپاه اشرار و سپاه اشراف

۱۸۷.....	۲- آغاز پایان عصر عباسی
۱۸۷.....	۱-۲ ضعف قدرت مرکزی در قلمرو عباسی و افزایش نیروهای
۱۸۷.....	گریز از مرکز
۱۸۹.....	۲-۲ وابستگی معکوس
۱۹۲.....	۳-۲ اختلافات مذهبی
۱۹۶.....	۴-۲ تجزیه و تحلیل اختلافات مذهبی
۲۰۱.....	۳-۲ عصر ترور
۲۰۱.....	۳-۳ اسماعیلیان و قرامطه
۲۰۲.....	۲-۳ سیاست تروریستی شاخه نزاری اسماعیلیه
۲۰۶.....	۳-۳ تجزیه و تحلیل رخدادهای تروریستی
۲۱۰.....	۴-۲ فاطمیان
۲۱۲.....	بخش دوم: شیرهای قشاله و پشه‌های دمشق
۲۱۲.....	۱- شعله‌های انتقام
۲۱۳.....	۲- روابط عباسیان و بیزانس
۲۱۴.....	۳- راز جنگ‌های صلیبی در سینه کیست؟
۲۱۵.....	۴- خلیفه عباسی و وحشت جنگ
۲۱۵.....	۵- سقوط شهرها
۲۲۰.....	۶- شمشیر دو دم
۲۲۴.....	۷- خنجر از پشت
۲۲۶.....	بخش سوم: آسیای شرقی در خدمت اروپای غربی
۲۲۶.....	۱- ظهور تموچین
۲۲۷.....	۲- دعوت به تجارت
۲۲۷.....	۳- پرسش بی‌پاسخ
۲۲۹.....	۴- چهل و رنج
۲۳۰.....	۵- میوه‌های رسیده و دست‌های خوشه چین
۲۳۱.....	۶- عاشورای سمرقند

۲۳۲	۷- صلیبی ها، مغول ها و مسلمانان
۲۳۶	۸- مغول ها، صلیبی ها و اسلام
۲۴۳	فصل سوم: اروپا در آستانه تغییر
۲۴۵	بخش اول: یهودیان، امویان و جنگ های صلیبی
۲۴۵	۱- سکولاریسم و ارتجاع یهود
۲۴۷	۲- امویان و یهودیان
۲۴۸	۳- نام و کام
۲۵۰	۴- اروپا در قرون وسطی
۲۵۲	۵- فرصت بزرگ
۲۵۹	بخش دوم: زلزله در کلیسا
۲۵۹	۱- اروپای غربی و جنگ های صلیبی
۲۶۲	۲- تأثیر جنگ های صلیبی بر اروپا
۲۶۴	۳- امرای سکولار و کلیسا
۲۶۵	۴- محو تاریخی ساختار کهن اروپا
۲۶۶	۵- فردریک دوم و دانش مسلمین
۲۶۸	۶- آخرین پرده نمایش
۲۷۸	بخش سوم: شمشیر هنر
۲۷۸	۱- توحش و تمدن
۲۸۱	۲- انگلوساکسون ها و اسلام
۲۸۴	۳- مسیحیت زدایی اروپا
۲۸۷	۴- از انتقاد تا انکار
۲۹۲	۵- دستگاه چاپ
۲۹۳	۶- نشر دانش
۲۹۵	۷- حقیقت و قدرت
۲۹۶	۸- لوتر و اروپا
۳۰۳	۹- نهضت پروتستان و هرم قدرت

۳۰۳.....	۹-۱- نقش امرا.....
۳۰۵.....	۹-۲- نوزایی اروپا.....
۳۱۰.....	۹-۳- عصر علم.....
۳۱۷.....	۹-۴- شمشیر هنر در دست شوالیه‌های اروپا.....
۳۳۳.....	کتابنامه.....
۳۳۳.....	فهرست منابع کتاب (دوره سه جلدی).....
۳۳۳.....	الف - منابع فارسی.....
۳۴۲.....	ب - منابع انگلیسی.....
۳۴۹.....	ج - منابع عربی.....
۳۵۱.....	فهرست اعلام.....

فهرست جداول

- جدول شماره ۱- شهرهای اندلس و سهمیه نیروهای نظامی ۴۵
- جدول شماره ۲- درگیری‌های فرقه‌ای در آستانه جنگ‌های صلیبی ۱۹۶
- جدول شماره ۳- درگیری‌های فرقه‌ای و محل آنها ۲۰۰
- جدول شماره ۴- طرف‌های درگیری‌های فرقه‌ای ۲۰۱
- جدول شماره ۵- ترورهای نزاریان ۲۰۳
- جدول شماره ۶- بافت مذهبی و دینی قربانیان ۲۰۷
- جدول شماره ۷- بافت کلی قربانیان ۲۰۸
- جدول شماره ۸- تعلق دینی قربانیان ۲۰۸

پیشگفتار

تاریخ ماهیتی فرآیندی دارد و در آن هر حادثه‌ای نتیجه حادثه یا حوادثی و زمینه حادثه یا حوادثی دیگر است. از این رو با بررسی یک قطعه تاریخی نمی‌توان پی به حرکت تاریخ برد، بلکه باید مجموع حوادث تاریخی را در متن یا بافتی فرآیندی مورد مطالعه قرار داد تا بتوان زبان تاریخ را فهمید و به راز سینه‌سوزان سینایی آن پی برد.

با ظهور اسلام تاریخ وارد مرحله جدیدی شد چنان‌که با ظهور نوح، ابراهیم، موسی و عیسی نیز - مرحله به مرحله - تاریخ وارد عرصه‌های نوینی شده بود و در هر مرحله یک گام نزدیک‌تر به فضای ملکوتی توحید شده بود. به این معنا که در هر مرحله خودآگاه‌تر و خداآگاه‌تر شده بود. پیامبر برای پیروزی توحید در تاریخ و رسیدن به افق‌های روشن‌تری از خودآگاهی و خداآگاهی انسان دو راهبرد داشت. نخستین راهبرد او - که راهبردی حداقتی و مقدمه‌ای لازم و ضروری برای پیشبرد و موفقیت راهبرد دوم محسوب می‌شد و می‌شود - راهبرد تثبیت قرآن در تاریخ بود و دومین راهبرد - که راهبردی حداکثری محسوب می‌شد - تأسیس جامعه جهانی طراز قرآن بود و هست.

با فتح مکه و پذیرش امویان در جامعه اسلامی، جامعه اصحاب پیامبر هم وحدت اعتباری^۱ خود را از دست داد و هم وحدت حقیقی^۲ آن تضعیف گردید؛ در نتیجه جامعه

۱. منظور از وحدت اعتباری قرار گرفتن یک کلیت اجتماعی نامنسجم در برابر وضعیتی خاص است. مانند سرنشینان یک کشتی که هر کدام از نژادی، ملیتی و قومی باشند ولی هنگام خطر غرق شدن کشتی، باهم در مقابل خطر وحدت پیدا می‌کنند. مدینه نیز در مقابل خطر حمله نظامی قریش - گذشته از وحدت حقیقی - وحدت اعتباری نیز داشت.

۲. منظور از وحدت حقیقی نقاط اشتراک اعضای یک جامعه با یکدیگر است. هر چه این نقاط اشتراک بیشتر باشد وحدت حقیقی نیز بیشتر خواهد بود مانند اشتراک در تاریخ، زبان، دین، فرهنگ، آرمان‌های سیاسی، تحلیل و درک شرایط اجتماعی و....

اصحاب پیامبر دو پاره شد. پاره‌ای امویان را همچنان تهدید می‌دیدند و درباره آن‌ها هشدار می‌دادند و پاره دیگر امویان را فرصت می‌دیدند و در پی اتحاد راهبردی با با آنان بودند. امویان نیز که در ۲۱ سال ستیز با اسلام از بت‌پرستی عبور کرده و تسلیم قدرت اسلام شده بودند برای کسب موقعیت سیاسی در جامعه اسلامی از تاکتیک همراهی و هماهنگی با هر جناحی از اصحاب پیامبر که همراهی با امویان را بپذیرد، بودند. در نتیجه پس از رحلت پیامبر، دو جریان طوعی و کرهی^۱ در تاریخ اسلام به وجود آمد. جریان کرهی، کره‌ا در خدمت راهبرد تثبیت قرآن قرار گرفت و جریان طوعی هم در خدمت راهبرد تثبیت قرآن در تاریخ بود و هم در خدمت راهبرد تأسیس جامعه طراز قرآن.

جریان‌های تاریخی مانند بستر رودخانه‌ها هستند. همان‌گونه که بستر رودخانه‌ها به جریان آب جهت می‌دهند، و نهایت مسیر و غایت حرکت آن‌ها را تعیین می‌کنند - گرچه خود نیز از آنان تأثیر می‌پذیرند - جریان‌های تاریخی نیز جهت حرکت انسان‌ها در بستر خود را تعیین می‌کنند و به آن‌ها جهت می‌بخشند و آن‌ها را به سوی غایتی به پیش می‌برند. این جریان‌ها با ماهیت فرآیندی خود به حرکت افراد جهت داده و افراد یک جریان را با هم هم‌جهت می‌کنند و آن‌ها را در مسیر یک یا چند هدف مشترک پیش‌برده و در نتیجه خود به خود و عملاً رفتار آنان را مکمل عمل یکدیگر می‌سازند. کسی که از بیرون به رفتار افراد موجود در جریانی تاریخی نگاه کند تصور می‌کند آن‌ها گویا همه یک نقشه را در سر داشته‌اند و بر اساس طرحی از پیش تعیین شده رفتار مشابهی را از خود بروز داده‌اند، حال آن‌که عملاً هیچ سر و سری در کار و هیچ نقشه واحدی در میان نبوده است بلکه مسیر واحدی در مقابل افراد یک جریان قرار گرفته و افراد با حرکت در بستر هر جریان الزاماً آن رفتار مشابه را از خود نشان داده‌اند و نمی‌توانستند با انتخاب آن جریان خاص در بستر تاریخی آن قرار نگیرند. این چنین است که می‌بینیم مثلاً شیخ صفی‌الدین اردبیلی، شیخ بهایی، میرزای شیرازی، شهید مدرس، آیت‌الله کاشانی، آیت‌الله حائری، امام موسی صدر، شهید شیخ راغب حرب، امام خمینی و شهید سید محمد باقر صدر از زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، رفتار مکمل و هماهنگی را از خود بروز داده‌اند، بدون آن‌که الزاماً یکدیگر را دیده باشند و با هم بر سر طرحی قرار و مداری گذاشته باشند.

۱. در مورد دو اصطلاح طوعی و کرهی در متن کتاب به تفصیل سخن رفته است.

با رحلت پیامبر، دو جریان طوعی و کرهی در تاریخ پدید آمد. جریان کرهی زنجیره‌ای از حوادث زمینه‌ای - نتیجه‌ای یعنی فرآیندی ایجاد کرد که نخستین حلقه آن تبدیل نظام امامت به خلافت بود. سپس خلافت تبدیل به نظام سلطنت شد و سلطنت‌های اموی و عباسی را پدیدار ساخت. به طوری که حوادث دیگری نظیر تجزیه جهان اسلام به شرق - به مرکزیت بغداد - و غرب - به مرکزیت قرطبه - جنگ‌های صلیبی، رنسانس، انقلاب صنعتی و انقلاب‌های بزرگ سکولار تحت تأثیر همین جریان تاریخی قرار داشته‌اند. جریان دوم با اعتراض فاطمه، مقاومت و حکومت علی، قیام امام حسین، قیام‌های شیعی در تاریخ و تثبیت تشیع در ایران، در طی تاریخ به حرکت خود ادامه داده و تا امروز به انقلاب اسلامی ایران و حرکت‌های انقلابی اسلامی در سراسر جهان اسلام منتهی شده‌است. روح اصلی جریان کرهی تحکیم در برابر قدرت حاکم برای حفظ خود و امتیازات خود و روح اصلی جریان طوعی اعتراض به وضع موجود تا مرز بذل جان و مال بوده‌است.

امروز انقلاب اسلامی به مرکزیت ایران و تمدن غرب با رهبری انگلوساکسون‌ها این دو جریان تاریخی را نمایندگی می‌کنند. از این رو شناخت یکی، مستلزم شناخت دیگری و نیز مستلزم شناخت چکاد بلندی است که این دو جریان از آن سرچشمه گرفته‌اند. در کتاب شهر گمشده و کتاب حاضر کوشیده‌ام این بستر را تبیین کنم.

کسانی که غرب را نمی‌شناسند آن را درست - و چشم‌پسته - یار د و یا قبول می‌کنند. حال آن‌که به عنوان پدیده‌ای تاریخی، غرب را نمی‌توان درست قبول یا رد کرد، بلکه باید آن را تجزیه و تحلیل کرد و تحولات مادر و ملازم^۱ در جوامع غربی را شناخت و دسته‌بندی کرد و در نتیجه به نقاط قوت و ضعف آن پی برد. هر پدیده تاریخی باید با سه اصل ثابت تاریخ یعنی اصل پیوستگی، اصل علیت و اصل فرآیند - که پیاده دو اصل قبلی است - تحلیل کرد. تمدن غرب نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر این اساس تمدن غرب یکی از تحولات ملازم - و نه مادر - بعثت نبوی و یکی از زمینه‌های انقلاب جهانی اسلام است. همان‌گونه که تمدن اسلامی زمینه‌ساز پیدایش تمدن غرب گردید، تمدن غرب نیز یکی از شرایط زمینه‌ای برای پیدایش انقلاب جهانی اسلام و آغاز تاریخ جدید انسان است.

۱. در مورد تحولات مادر و ملازم در متن کتاب توضیح داده شده‌است. همچنین مراجعه کنید به محمدحسن زورقی: ارتباطات و آگاهی، جلد اول، بخش سیستم ارتباطات ملی، انتشارات سروش.

من در این کتاب در بخش ماشین و حرکت تاریخ به این بحث پرداخته‌ام.

بی‌تردید رهبران غرب، غرب را بر اساس جهان‌بینی مادی و منشور سه ضلعی ابوسفیان (اصالت طبیعت، اصالت لذت و اصالت قدرت) رهبری و تحولات مادر را بر این اساس برنامه‌ریزی کرده‌اند. اما تحولات ناخواسته و ملازم، برخلاف میل و خواست آن‌ها، جهان را به سوی خودآگاهی و خداآگاهی رهنمون شده‌است. پیدایش انقلاب صنعتی و گسترش ارتباطات، جهان را طوعاً و کرهاً بدین سو پیش می‌برد.

غرب‌زده‌گان و غرب‌ستیزان از درک کلیت تمدن غرب عاجزند زیرا قادر به درک تحولات مادر و ملازم آن نیستند. غرب‌زده‌گان مسحور پیشرفت‌های مادی آن شده‌اند و در نتیجه عاشق سرازای تمدن غرب شده‌اند و غرب‌ستیزان با دیدن ستمگری‌ها و سنگدلی‌های تمدن غرب در حق جهان سوم، کمر به نفی مطلق آن بسته‌اند ولی غرب و تمدن آن به‌صورت درسته و یکبارچه نه ردکردنی است و نه پذیرفتنی است. غرب را باید شناخت و نقد کرد و پذیرفتنی‌ها و ردکردنی‌هایش را از هم جدا کرد و برای هر یک حساب جداگانه‌ای باز کرد.

انقلاب صنعتی نیروی ماشین را جایگزین نیروی بازوی مرد کرد و در نتیجه با از میان برداشتن استثمار کهن، استثمار جدیدی جانشین آن شد و سکولاریسم، تمام عشق و حس حقیقت‌جویی انسان را بر روی نقطه کانونی ماده متمرکز ساخت و موجب کشف رمز و راز طبیعت و پیشرفت‌های وسیع در علوم طبیعی و تضعیف تعصب و تصلب دینی در سراسر جهان گردید و گوش هوش تاریخ را برای شنیدن آوای فطرت و ندای توحید آماده ساخت درحالی‌که آوای لاله تمدن سکولار غرب همراه با صفیر سلاح آتشین، در زیر آسمان طنین‌انداز شده بود، فریاد الا الله از گسوی زنان و مرده‌انی که به خودآگاهی و خداآگاهی رسیده بودند از نای انقلاب‌های نوین در نیمه دوم قرن بیستم، به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران، زیر طاق طنین‌افکن شد. در نتیجه از مجموعه تحولات بزرگ اجتماعی در شرق و غرب جهان یک لاله‌الا الله به وجود آمد. این چنین است که می‌گوییم تاریخ را مجموعه حوادث طوعی و کرهی به پیش می‌برند.

آری عامل حرکت تاریخ نه جغرافیاست آن‌چنان که ابن خلدون می‌پنداشت، نه ابزار تولید و تحول آن، آن‌طور که مارکس ادعا می‌کرد، و نه تحول و تطوّر ذاتی تمدن‌هاست آن‌طور که توین‌بی قضاوت می‌کند و نه جنگ تمدن‌هاست آن‌طور که هانتینگتون در

خیال خود می‌پروراند. عامل حرکت تاریخ میلی ذاتی و علم حضوری انسان به صفات خدا به صورت استعدادی بالقوه است درست همان‌طور که در این کتاب به آن پرداخته شده است. این کتاب گامی در راهی طویل است در راهی که از سید قطب و اقبال لاهوری گرفته تا دکتر شریعتی و شهید مطهری و از همه گویاتر، پریاتر، درخشان‌تر و شکوفاتر امام خمینی، آن را بر روی بشریت گشوده‌اند و چشم به راه گام‌های بی‌شماری است که باید برداشته شوند.

خداوندا، ما را در راه خود ثابت‌قدم‌دار و چهره دلربای صفات خود را بر ما بگشای و ما را آن‌چنان کن که تو می‌خواهی که تو آن‌چنانی که ما همه، خواسته و ناخواسته عاشق آنیم.

دروود و بدرود

دکتر محمدحسن زورق

تهران، هشتم تیرماه ۹۰

مصادف باشب مبعث پیامبر گرامی اسلام

مقدمه

در اولین سال اقامتم در اروپا، اولین مسئله‌ای که برای من به‌طور جدی مطرح شد، مسئله تحول تاریخ بود. در دیوار رنگارنگ شهرهای سرسبز اروپا با انسان پرسشی را مطرح می‌کردند؛ پرسشی شگفت‌ناک به‌ویژه شهر قدیمی لندن که در آن تاریخ قدیم و جدید و سنت و مدرنیته، به‌هم آمیخته‌اند و ترکیبی دلپذیر را فراهم آورده‌اند. به‌گونه‌ای که هنوز آبخور اسب‌ها را، در کنار خیابان‌ها در منطقه ویمبلدون^۱، محل زندگی‌ام، می‌شد دید که از کنار آن‌ها اتومبیل‌های آخرین مدل جدید در حال حرکت بودند. این آبخورها از عصری حکایت می‌کردند که مردم را با درشکه و دلجان از سویی به سوی دیگر حرکت می‌دادند. در لندن نیز در و دیوار شهر به‌ویژه در منطقه وست‌مینستر^۲ که دفتر کارم در آن روزها در آن قرار داشت - صحیفه نانوشته‌ای را در برابرم می‌گشودند که در آن پرسشی نوشته بود: «چه شده‌است؟ چگونه جزیره‌ای دور و رها در کنار اقیانوس اطلس و دریای شمال، تبدیل به یکی از مراکز قدرت جهان شده‌است؟ چگونه این نخبگان، شایان رمة‌های اروپا شده‌اند و این رمة‌ها (مردم) را برای چه کسانی به چرا می‌برند؟ چگونه اینان چونان جزایری دور افتاده در میان اقیانوسی از مردمان مسیحی چنین نستوه و سرسخت ایستاده‌اند و مقدرات آنان را در سرپنجه تدبیر خود گرفته‌اند؟ در تاریخ چه اتفاقی افتاده است؟ چرا؟ چگونه؟... ارا به تاریخ را چه کسی بدین سو آورده و در این راه به حرکت آورده‌است؟ مسیر تاریخ از شرق چگونه شگفت‌انگیز و رازآمیز به سوی غرب تغییر کرده‌است؟...»

-
1. Wimbeldon
 2. Westminster

در اروپا با نخبگان سکولار و نخبگان یهود در نقش رهبران، و توده مردم مسیحی در نقش پیروان روبرو می‌شویم. شگفت‌انگیز است کسانی که خود را وارثان نخستین منادیان توحید می‌دانند دست در دست کسانی که رسماً با توحید حداقل در زندگی اجتماعی و سیاسی خود وداع کرده‌اند، گذاشته‌اند و شاد و مست به عقد ازدواج آن‌ها درآمده‌اند. نخستین پرسشی که در غرب با آن روبرو می‌شویم این پرسش است که چه نسبتی بین نخبگان یهود و نقش امروزمین آن‌ها و موسی و رسالت تاریخی اوست؟ و نیز چه نسبتی بین مسیحیان اروپای غربی و زندگی امروزمین آن‌ها و عیسی و نبوت او و بشارت او و مسئولیت تاریخی اوست؟

از طرف دیگر اروپاییان که خود را پیروان پیامبرانی می‌دانند که از شرق و دقیقاً از خاورمیانه برخاسته‌اند چرا و چگونه در حق مردم این منطقه چنین ستم می‌کنند و بیش از هزار سال است که به آن‌ها حمله می‌کنند و آن‌ها را به خاک و خون می‌کشند و چرا به پیامبری که آخرین رسول خداست و عیسی در بشارت ظهور او سخن‌ها گفته است و از خاورمیانه برخاسته است ایمان نیاورده‌اند؟

ولی گویی موسی و عیسی با ندای وجدانم پاسخ می‌دادند که نسبت دادن نقش کنونی نخبگان یهود و مسیحیان اروپای غربی به رسالت تاریخی موسی و عیسی بی‌انصافی است. با هر قدمی که برمی‌داشتم و هر نگاهی که بر در و دیوار شهر لندن و منطقه وست‌مینستر و در خیابان‌های «تاتنهام کورت رود»^۱، «آکسفورد»^۲، «جوررود»^۳، «ریجنت پارک»^۴، «هایدپارک»^۵، «هلندپارک»^۶ و... می‌انداختم تصویر یک «ناب» یک «هرگز» و یک «ابد» را، که تو گویی از زبان موسی و عیسی برخاسته و بر سیمای شهر نقش بسته است، می‌دیدم. در اروپا طبیعت است و لذت و قدرت، و در خاورمیانه، آفریقا و بسیاری از مناطق آسیا محرومیت است و مصیبت و ذلت. در میان دوزخیان زمین خوشبخت کسی است که در

1. Tottenham Court Road

2. Oxford street

3. Ejwerd Road

4. Rejent Park

5. Hide Park

6. Holand Park

خدمت بهشتیان زمین کاری می‌کند و نانی می‌خورد و از دیگر انسان‌های محروم و مصیبت‌زده و ذلت‌کشیده این مناطق دیگر نگو و نپرس! و شگفت زده می‌شدم از این همه تفاوت و تبعیض! و موسی با ندای وجدانم می‌گفت: من برای نجات مستضعفین زمین مبعوث شدم و فرعون را - که بهشتی سرسبزتر از اروپا در آفریقا آفریده بود و یارانش را در نعمت، و مستضعفین زمانش را در ذلت و مصیبت و محرومیت غرق کرده بود - در نیل غضب الهی غرق نمودم. من کی به بنی‌اسرائیل که مستضعفین^۱ زمانه من بودند گفتم حق سروری و استکبار بر تمام بشریت را دارند؟! من این اتهام را به شدت رد می‌کنم. و عیسی با ندای وجدانم می‌گفت من برای پرستش حقیقت، ستایش عدالت و هدایت بشریت مبعوث شده‌ام نه برای پرستش لذت و نیایش طبیعت و ستایش قدرت. من همه انصارم را به خداپرستی دعوت کردم نه به دنیا پرستی. من آمدم تا زمینه جهانی ظهور آخرین پیامبر تاریخ را آماده کنم نه آنکه راه هدایت را بر پیروانش ببندم. من این اتهام سنگین را به شدت رد می‌کنم. و موسی می‌گفت خداپرستی و طلاپرستی هرگز با هم جمع نمی‌شوند. این قوم آن روز هم رو به گوساله طلایی سامری آوردند که نسخه دوم افسون ساحری فرعون بود. من هرگز نگفتم که قوم من ذاتاً برترند. این حرف، حرف شیطان است. او بود که می‌گفت مرا از آتش آفریدی و او را از خاک! او به برتری ذاتی خود باور داشت در حالی که من به همه انسان‌ها عشق می‌ورزیدم و همه را مستعد خداپرستی می‌دیدم و حتی برای هدایت فرعون و اطرافیانش می‌کوشیدم و این چنین بود که از میان آنان نیز یارانی یافتم که یکی از آن‌ها آسیه همسر فرعون بود. و عیسی می‌گفت من درس خاککاری به یارانم یاد داده‌ام نه درس زرسالاری را. من اگر می‌خواستم با استثمار و استکبار و استعمار ملت‌ها سازش کنم پس چرا با امپراتور روم که مظهر این تثلیث بود نساختم؟

و من حیرت‌زده می‌پرسیدم پس چه شده‌است؟ و دست حیرت به دندان عبرت می‌گزیدم که چرا؟ و آن‌ها با ندای وجدانم می‌گفتند نپرس! ببین! مگر نه این است که زمین‌شناسان با دیدن نقشه‌های جغرافیایی قاره‌های آفریقا و آمریکا پی به پیوستگی این

۱. قرآن مجید: وَتَرَىٰ أَنْ تَنْقُلَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَظْفَرُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلُهُمْ أُتْبَعًا وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَتَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُبْرِىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ. (قصص، ۵ و ۶)

۲. قرآن مجید: قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجِدَ أَذْأَمْرٍ تَكُ قَالَ إِنَّا خَيْرٌ مِنْ خَلْقِي مَنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (یوسف، ۷)

قاره‌ها در هزاره‌های دور برده‌اند؛ تو هم با دیدن نقشه‌های تاریخی این سه قاره که جزیره جهانی را ساخته‌اند ببین که چه شده‌است.

در اروپا این فراغت را داشتم که تاریخ اسلام را از نو مطالعه کنم. ثمره مطالعاتم در این زمینه، که در ایران نیز ادامه یافت، کتاب شهرگمشده شد که تاکنون شش بار به چاپ رسیده‌است. این مطالعات سر رشته درک تحولات تاریخی از زمان پیامبر به بعد را به دستم داد. در اروپا در طول هفته در کتابفروشی‌ها و برخی از روزهای یکشنبه در حراجی‌ها، کتاب‌های قدیمی را می‌خریدم و می‌خواندم و اندک اندک با جزئیات برخی از رخدادهای تاریخی آشنا می‌شدم و ثمره مطالعات و اندیشه‌های من در اروپا و ایران بر محور پرسش «چه شده‌است؟» و «در تاریخ چه اتفاق افتاده است؟» کتابی است که هم اکنون فرا روی شما قرار گرفته‌است. من در این مطالعات به این نتیجه رسیدم که اگرچه بشریت در راه دراز سرنوشت تاریخی خود مصائب فراوانی دیده و مصیبت‌های زیادی کشیده است ولی سرانجام آن خودآگاهی و خداآگاهی است.

او می‌توانست این راه را هموار و کوتاه کند و طوعاً در این مسیر حرکت کند که نکرد و کرهاً با فراز و فرودهایی روبرو شد که خواندن گزارش‌های آن‌ها پشت انسان را به لرزه درمی‌آورد و این حقیقت را دریافتم که دو جریان طوعی و کرهی در ستیزش و تعامل، تاریخ بشر را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. رهبران حرکت کرهی تاریخ اگر به پرستش الهه لذت در معبد طبیعت پرداخته‌اند و قدرت را نیایش کرده‌اند ولی ناخودآگاه و ناخداآگاه به گشایش راه خودآگاهی و خداآگاهی کمک کرده‌اند و این شکفت‌انگیز است، آن‌که ناخودآگاه در خدمت مشیت الهی تاریخ است اگر خودآگاه شود و به حقیقت ایمان بیاورد بی‌تردید با لبخند تقدیر روبرو خواهد شد.

شهرگمشده گذشته از آن‌جا که مورد توجه صاحب‌نظران، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ اسلام قرار گرفت منبع درسی بسیاری از دانشجویانی شد که درس تاریخ تحلیلی صدر اسلام را می‌خوانند با دقت افزون‌تر و نگاه گسترده‌تر مورد مطالعه و کاوش قرار دهند. در شهرگمشده از فاطمه - که درود خدا بر او باد - به عنوان جدا کننده سرنوشت مدینه‌النبی از مدینه‌العرب یاد کرده‌ام و نشان داده‌ام که فاطمه بزرگترین رسالت خود را در تبیین ماهیت رخدادهای سیاسی و اجتماعی عصر خود، ولی برای همه عصرها و نسل‌ها می‌دانست و بدون او نهضت جهانی اسلام نمی‌توانست راه راستین خود را در غبار حوادث

و فتنه‌ها بگشاید و چرخ‌های تحول تاریخ را به گردش درآورد.

این کتاب نیز اگرچه مخاطب خاص و عام و خارج از کلاس‌های درس دارد ولی می‌تواند منبع درسی دانشجویانی باشد که می‌خواهند در سطوح عالی در رشته آینده‌پژوهی^۱ کار کنند. برخی از مباحث این کتاب پیش از این در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری - هر یک در سطحی - تدریس شده و همچنین در سطح عمومی برای علاقه‌مندان، اندیشمندان، پژوهشگران و به‌ویژه متفکرانی که در زمینه فلسفه تاریخ و یا درباره آینده‌پژوهی و نیز فلسفه وجودی انقلاب اسلامی مطالعه و تحقیق می‌کنند، منتشر می‌شود. من در این کتاب ضمن طرح دو راهبرد اصلی پیامبر، به نقش جریان‌های تاریخی وابسته به آن‌ها در تاریخ اشاره کرده‌ام. و نشان داده‌ام که چگونه پیش‌بینی‌های فاطمه در مورد تحولات دردناک تاریخ امت اسلام تحقق یافته است.

من بر این باور هستم که آنچه در این کتاب عرضه شده کلام آخر است و برعکس معتقدم که این اثر آغاز گامی در راه تبیین فلسفه وجودی انقلاب اسلامی و گامی در راه بلند بازشناسی هویت تاریخی امت اسلام و شناخت روندهای آینده محسوب می‌شود. گامی که منتظر گام‌های بعدی است که باید به‌وسیله متفکرین دلسوز و پژوهشگران صاحب‌نظر برداشته شود. همان‌گونه که پیش از این نیز متفکرین متعهدی در این راه گام برداشته‌اند.

اینجانب این اثر ناقابل را به همسر، فرزندانم و همه دانشجویانم تقدیم می‌کنم و در انتظار نظر همه صاحب‌نظران و علاقه‌مندان برای تکمیل هرچه بیشتر این بحث هستم. کتاب حاضر در سه جلد تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود. در جلد اول با مبانی بحث آشنا می‌شویم، در جلد دوم تحولات تاریخی را در قرون میانی پی‌جویی می‌کنیم و در جلد سوم به دلایل پیدایش عصر جدید و فرآیند تعاملی حرکت‌های طوعی و کراهی تاریخی در بستر تحقق و تطور و شکوفایی خواگامی تاریخی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که انقلاب اسلامی ایران، مقدمه فصلی نو در تاریخ بشر است.

اگر توفیقی است از خداست و اگر نقص و اشتباهی در کار است از ماست. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما بندگان کوچک را در راه بزرگ خودش رهبری کند. چنین باد!

در خاتمه از تمام دوستان و اساتید گرانقدر که مشوق من در کار تألیف این کتاب بوده‌اند، تشکر می‌کنم. از علامه استاد محمدرضا حکیمی که با حوصله و دقت نسخ اولیه کتاب را مطالعه، و راهنمایی‌های ارزشمندی کردند، دکتر سیدحسن حسینی استاد محترم دانشگاه صنعتی شریف که مشوق من در تألیف این کتاب بودند، دکتر ابراهیم حسن‌بیگی رئیس محترم دانشگاه عالی دفاع ملی که با محبت خود موجبات دلگرمی بیشتر مرا در تألیف این کتاب فراهم آوردند، دکتر عبدالله ناصری‌طاهری استاد محترم دانشگاه الزهراء که در تهیه برخی از منابع کتاب به من یاری رساندند، دکتر حسین کرمی استاد محترم دانشگاه صنعتی امیرکبیر و مهندس احمد ارژمند کارشناس برجسته فرهنگی که با دقت نسخ اولیه کتاب را مطالعه کرده و راهنمایی‌های ارزنده‌ای نمودند و برادران عزیز عرب‌عامری، اصلانی و بارانی که در جروفچینی نسخ اولیه کتاب با دقت و صمیمیت کوشیدند و همراهی کردند صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از برادر عزیزم ابراهیم حقیقی که کار ویراستاری و آماده‌سازی کتاب زیر نظر ایشان انجام شد و سایر دوستان عزیز که در کار نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی و طراحی روی جلد کتاب کوشیدند تشکر می‌کنم، نیز از ناشر محترم به‌ویژه، دوست عزیزم جناب چینی‌فروشان مدیر محترم دفتر نشر فرهنگ اسلامی و قائم‌مقام محترم ایشان جناب آقای باقری، که در انتشار صحیح و سریع کتاب بذل توجه کردند سپاسگزارم. از خوانندگان محترم کتاب نیز تقاضا می‌کنم نظرات و پیشنهادات خود را به آدرس ناشر ارسال فرمایند تا در چاپ‌های بعد مورد توجه قرار گیرد.

و من الله التوفیق

محمدحسن زورق